

علامت تجاری افشاشده و رقابت تجاری مگارانہ



شیرزاد اسلامی، وکیل پایه یک دادگستری و کارشناس رسمی ثبت شرکت‌ها، علایم تجاری و اختراعات

مقدمه

(۱) در دو قرن گذشته، اجرای تئوری تجارت آزاد (بدون مرز) و پیشرفت تکنولوژی‌های ارتباطی، تبادل سریع اطلاعات و گردش آسان کالاها را موجب گردید. در مقابل، رقابت تجاری روزبه‌روز پیچیده‌تر و سخت‌تر شد و رقابت‌های تجاری مگارانہ نیز به‌صورت‌گوناگون گسترش یافتند. بدین جهت، قرن‌هاست که تجار، برای

معرفی شخصیت تجاری خویش یا تمایز کالاها و خدماتشان از سایر رقبا، از اسامی و علایم تجاری استفاده می‌کنند که امروزه مهمترین موضوع در عرصه رقابت و بازاریابی است^(۱).

از سوی دیگر، به دلیل آنکه حمایت قانونی از علایم و اسامی تجاری با توسعه اقتصادی و رشد خلاقیت ارتباط مستقیم دارد، لذا در تمامی کشورها در این خصوص،

امروزه از منظر اقتصادی، علامت تجاری یا خدماتی، یکی از سرمایه‌های اصلی اشخاص و حتی معیاری برای اندازه‌گیری پیشرفت و توسعه کشورهاست.



● منظره یکی از خیابان‌های توکیو در شب.



● ایضاً نیویورک در روز.

تصویب کند که به طور آزمایشی به مدت پنج سال اجرا خواهد شد. قانون جدید در مقایسه با قانون سابق، محاسن و معایبی دارد که پرداختن به همه آنها در این نوشتار میسر نیست، اما مقاله حاضر سعی دارد تا به یکی از مسائلی که با تصویب قانون جدید، محل بحث حقوقدانان کشور شده است، بپردازد.

۲) با توجه به عرف کسب و کار، معمولاً اشخاص قبل از آنکه علامت تجاری یا خدماتی خویش را ثبت کنند، از آن استفاده می‌کنند و به اصطلاح آن را «افشا» می‌کنند و حتی گاه ثبت علامت، با ده‌ها سال تأخیر انجام می‌شود. مطابق مواد ۲۰ و ۲۲ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ اگر شخصی در خصوص ثبت علامتی تأخیر می‌کرد و دیگری علامت وی را به نام خود ثبت می‌کرد، صاحب اصلی علامت، می‌توانست تا سه سال، نسبت به ثبت علامت اعتراض کند و با اثبات سابقه استعمال مستمر، از دادگاه حکم بر ابطال علامت ثبت شده و همچنین ثبت آن به نام خود را بخواهد و حتی گاه با اثبات شرايطی، طرح دعوا پس از سه سال نیز ممکن بود.

در مقابل، مطابق مواد ۳۰ و ۳۱ قانون جدید ثبت علائم تجاری مصوب ۸۶/۸/۷: «علامت تجاری، هر نشان قابل‌رویتی است که بتواند کالاها یا خدمات اشخاص حقیقی یا حقوقی را از هم متمایز سازد و حق استفاده انحصاری از یک علامت به کسی اختصاص دارد که آن علامت را طبق مقررات این قانون به ثبت رسانده باشد.»

متأسفانه، در قانون اخیرالتصویب، در خصوص حق مکتسب شخصی که علامتی را قبل از ثبت، استفاده کرده و دیگری آن را ثبت کرده است، اثباتاً یا نفیاً حکمی مقرر نشده است. حال با توجه به سکوت قانون جدید، سوالاتی که موضوع بحث مقاله حاضر خواهند بود، عبارتند از:

الف) اگر یک علامت، قبل از آنکه ثبت گردد، مورد استفاده قرار گیرد و شخصی با سوءنیت یا بدون سوءنیت، آن را زودتر ثبت کند، آیا می‌توان حقی را برای صاحب اصلی علامت (استفاده‌کننده‌ی مقدم) قابل شد؟ به عبارت دیگر، آیا «افشای علامت تجاری» و تأخیر در ثبت

مقرراتی بر حسب نظام حقوق ملی، تصویب شده است، البته در کنار مقررات ملی، جامعه جهانی نیز همواره در اندیشه حمایت از علائم تجاری و ممانعت از رقابت تجاری مکارانه بوده که با انعقاد کنوانسیون‌های بین‌المللی و تأسیس اتحادیه‌های جهانی، این اندیشه را تا حد زیادی متبلور و اجرا کرده است.

در ایران، اولین قانون ثبت علائم

تجاری در سال ۱۳۰۴ به تصویب رسید و قانون دیگری در سال ۱۳۱۰ جانشین آن شد. تحولات داخلی و بین‌المللی یک قرن گذشته در حوزه تجارت از یک سو و جنبش حمایت از مالکیت‌های فکری و الزامات ناشی از الحاق ایران به کنوانسیون‌های جهانی از سوی دیگر، نهایتاً قانونگذار ایرانی را بر آن داشتند تا قانون جدیدی را تحت عنوان «قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری» در تاریخ ۸۶/۸/۷



● ایران، عضو سازمان جهانی مالکیت فکری است.

آن، موجب بی‌حقی و به‌اصطلاح، اسقاط حق استفاده‌کننده‌ی مقدم نسبت به علامت تجاری‌اش می‌شود یا خیر؟

ب) اگر شخصی علامتی را که مورد استفاده دیگری است، به نام خود ثبت کند، چه عواقبی از جنبه حقوقی متوجه اوست؟ و آیا می‌تواند به اتکای سند خویش، مانع استعمال استفاده‌کننده‌ی مقدم از علامت گردد یا خیر؟

طی چند گفتار پیش‌رو سعی خواهد شد تا علیرغم سکوت قانون جدید، با تمسک به اصول حاکم بر حقوق مالکیت‌های صنعتی و مقررات معاهده‌ی پاریس، به این سوالات پاسخ داده شود و حکم موضوع روشن شود.

یکی از حقوق طبیعی، حرمت و حق مالکانه نسبت به نتایج حاصل از تلاش‌ها و ابتکارات مشروع نوع بشر است.

گفتار اول: اهمیت و ضرورت بحث پاسخ سوالات طرح‌شده، هم از منظر حقوقی و هم از منظر اقتصادی حایز اهمیت می‌باشد:

۱) اهمیت موضوع از منظر اقتصادی: از منظر اقتصادی، امروزه علامت تجاری یا خدماتی، یکی از سرمایه‌های اصلی اشخاص و حتی معیاری برای اندازه‌گیری پیشرفت و توسعه کشورهاست^(۲).

از سوی دیگر، با توجه به آزادی مبادلات بازرگانی، دیگر علامت تجاری، یک موضوع صرفاً داخلی نبوده و پدیده‌ای بین‌المللی است. لذا با در نظر گرفتن این واقعیت که استفاده از علامت تجاری قبل از ثبت آن، عرف مسلم تجاری است، نادیده گرفتن حق مکتسب ابداع‌کننده علامت،

می‌تواند موجب ورشکستگی اشخاص و حتی مناقشات سیاسی و بین‌المللی گردد. مضافاً اینکه، تجویز استفاده از اعتبار و شهرت غیر، موجب رقابت تجاری نامشروع خواهد شد. در نتیجه، باید توجه داشت که هر تغییر در قوانین یا رویه قضایی راجع به علایم تجاری، بدون تردید، در رونق و امنیت تجاری و بالتبع در میزان سرمایه‌گذاری در کشور مؤثر خواهد بود.

۲) اهمیت موضوع از منظر حقوقی: موضوع از جهات حقوقی ذیل اهمیت دارد:

الف) یکی از دعاوی شایع در خصوص علایم تجاری، دعوای استفاده‌کننده‌ی مقدم از یک علامت، علیه کسی است که علامت را بدون اجازه شخص مقدم، به نام خود ثبت کرده است. پرونده‌های بسیاری در زمان حکومت قانون سابق

● رقابت تجاری همیشه رقابتی سالم و منصفانه نیست و گاه تجار، حیات خویش را در تخریب یا سوء استفاده از شهرت رقبا می‌دانند.





علامت، با حق استفاده‌ی انحصاری، می‌تواند استفاده‌کننده‌ی مقدم را نیز از استعمال علامت منع کند^(۳). نظر این گروه بر دو مبنا قرار گرفته است:

(۱) ظاهر قانون: این گروه به استناد منطوق و ظاهر مواد ۳۰ و ۳۱ قانون اخیرالتصویب، معتقدند که مالکیت نسبت به یک علامت، فقط با ثبت آن ایجاد می‌گردد، لذا چون در زمان ثبت علامت، شخص متقاضی با مانع قانونی مواجه نبوده است، لذا بدون تجویز قانونگذار، نمی‌توان علامت ثبت شده را ابطال کرد. از سوی دیگر، معتقدند که حق مالکیت مکتسب (موضوع مواد ۲۰ و ۲۲ قانون سابق) می‌بایست در قانون جدید مورد تصریح قرار می‌گرفت و سکوت قانونگذار، به معنای عدم شناسایی این حق در قانون جدید و بی‌حقی استفاده‌کننده‌ی مقدم است.

(۲) قاعده اقدام: مبنای دیگری که این گروه به آن استناد می‌کنند، "قاعده اقدام" است، بدین معنا که استفاده‌کننده از یک علامت، با عدم ثبت علامت، در واقع، علیه حقوق خود اقدام کرده و در واقع، به‌طور ضمنی این اجازه را به اشخاص دیگر داده است که علامت را به نام خود ثبت کنند.

بخش دوم: نظریه اصولی
برخلاف نظری که در گفتار قبلی ذکر شد، نگارنده اعتقاد دارد که

یا پس از تصویب قانون جدید به استناد حق مکتسب، تشکیل شده و اینک به دلیل سکوت قانون جدید، حکم موضوع و تکلیف دعاوی به روشنی مشخص نیست.

(ب) ایران از اعضای اتحادیه پاریس و عضو سازمان جهانی مالکیت فکری است، لذا از جهت پایبندی یا عدم پایبندی ایران به تعهدات و عرف بین‌المللی، موضوع اهمیت دارد^(۴).

(پ) آثار عملی مباحث قانون جدید و ضمانت‌اجراهایی که برای نقض حقوق علائیم تجاری مقرر شده است، با توجه به آزمایشی بودن قانون جدید، حایز اهمیت است.

گفتار دوم: نظریات حقوقی

بخش اول: نظریه قانونی

بعضی از حقوقدانان بر این نظر هستند که با توجه به سکوت قانون جدید، دیگر برخلاف قانون سابق، اگر شخصی علامتی را استفاده کرده، ولی ثبت نکند و شخص دیگری آن را ثبت کند، اولاً، استفاده‌کننده‌ی مقدم، حق اعتراض ندارد؛ ثانیاً، مالک رسمی

اصول حقوقی، قوانین
نانوشته‌ای هستند که
به عنوان مسلمات حقوق،
نیازی به اثبات یا تصریح
قانونگذار ندارند، هر چند
که گاه مانند اصل برائت،
صورت قانونی نیز می‌یابند.



متعارف جوامع بشری است. اصل "حق مکتسب"، اصل "منع داراشدن ناعادلانه" و اصل "انصاف" سه اصل حقوقی "بنیادین" هستند که با منطق ذاتی خویش از احترام تمامی نظامات حقوقی برخوردارند. درخصوص اثبات حق اعتراض شخصی که علامتش توسط دیگری ثبت شده است، می توان به اصول حقوقی فوق الذکر استناد کرد و حکم موضوع را روشن نمود:

الف) حق مالکیت مکتسب: چون امکان کمال قوانین، فرضی مجال است، لذا براساس مبانی حقوقی، خصوصاً عرف و حقوق طبیعی، بسیاری از حقوق، خصوصاً برخی حقوق مالکانه، بدون آنکه در قوانین یا قراردادها تصریح گردد، مورد احترام و قبول نظامات حقوقی است.

یکی از حقوق طبیعی، حرمت و حق مالکانه نسبت به نتایج حاصل از تلاش ها و ابتکارات مشروع نوع بشر است و همیشه به هنگام تردید در وجود یا عدم وجود حق، اصل بر این است که انسان، نسبت به نتایج زحمات خویش، حق مالکانه دارد.

درخصوص علامت تجاری نیز اصل بر این است که استعمال کننده یا ابداع کننده‌ی مقدم، حق مالکیتی مکتسب و مقدم در برابر مالک مؤخر

علیرغم آنکه در قانون جدید برخلاف قانون سابق، حق اعتراض و اقامه دعوا برای استفاده کننده‌ی اولیه از یک علامت، تصریح نشده است، لیکن اولاً، استفاده کننده‌ی مقدم حق اعتراض داشته و با اثبات سابقه استعمال مستمر، دادگاه باید حکم به ابطال سند مورد اعتراض صادر کند؛ ثانیاً، اگر مالک رسمی علامت، بخواهد مانع استفاده کننده‌ی مقدم گردد، مراجع قضایی باید به ادعای متهم یا خوانده دعوا مبنی بر مالکیت مکتسب علامت که قبل از ثبت علامت، حاصل شده است، توجه و رسیدگی نمایند.

این نظر بر مبنای ذیل استوار است:

۱) اصول حقوقی (حق مکتسب؛ منع داراشدن ناعادلانه؛ انصاف): به استناد ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، یکی از منابعی که قضات دادگاه ها در مواردی که قانون صریح نبوده یا ساکت باشد، مکلفند به آن استناد نمایند، " اصول حقوقی " است. اصول حقوقی، قوانین نانوشته‌ای هستند که به عنوان مسلمات حقوقی، نیازی به اثبات یا تصریح قانونگذار ندارند، هرچند که گاه مانند اصل برائت، صورت قانونی نیز می یابند.

به تولیدکنندگان کالاها و ارایه کنندگان خدمات توصیه می شود که ثبت علایم خود را جدی بگیرند تا دچار اضطراب های حقوقی نشوند.

منشأ اصول حقوقی، عمدتاً حقوق طبیعی، عرف مسلم و عقلانیت



(ثبت‌کننده علامت) دارد، لذا بدون تصریح قانونگذار و صرفاً به بهانه سکوت قانون، نمی‌توان حق مکتسب وی را نادیده گرفت و به بهانه تأخیر در ثبت علامت، به آسانی و به‌رایگان، علامت و شهرت تجاری‌اش را به شخص دیگری داد.

پیشتر گفته شد که قانون جدید برخلاف قانون سابق، برای استفاده‌کننده از یک علامت که نسبت به ثبت علامت خویش اقدام نکرده و علامت به نام کس دیگری ثبت شده است، به صراحت، حق اعتراضی مقرر ننموده است، لیکن به نظر می‌رسد که می‌توان به استناد برخی از مواد این قانون، حق اعتراض یا حق مکتسب صاحب اصلی علامت تجاری را استنتاج کرد:

در مواد ۴ و ۲۰ قانون جدید که تحت‌عنوان "قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری" تصویب شده است، قانونگذار به صراحت احکامی را در خصوص افشای اختراع یا

طرح صنعتی مقرر کرده است، بدین

معنا که اگر مخترع یا مالک یک طرح صنعتی، اختراع یا طرح خود را استفاده کرده و ظرف مدت شش ماه نسبت به ثبت آن اقدام نکند، افشای اثر موجب از بین رفتن حق انحصاری صاحب‌اثر شده و برای عموم قابل استفاده می‌شود، اما در مقابل می‌بینیم که چنین حکمی در خصوص "افشای علامت" در قانون جدید مقرر نشده

است. حال از تصریح قانونگذار در خصوص اختراع و طرح صنعتی و سکوت قانونگذار در خصوص علامت، می‌توان بر این نظر بود که قانونگذار با اعتقاد به بدیهی بودن حق مکتسب استفاده‌کننده‌ی مقدم، افشای علامت و تأخیر در ثبت آن را موجب اسقاط حقوق مکتسب صاحب اصلی علامت ندانسته و به همین دلیل، برخلاف موضوعات دیگر، حکمی در این خصوص مقرر نکرده است.

(ب) اصل منع داراشدن ناعادلانه و اصل انصاف: اگر حق مکتسب استفاده‌کننده ابتدایی از یک علامت را نادیده بگیریم، دو نتیجه حاصل می‌گردد: اولاً، شخصی که علامت دیگری را به نام خود ثبت کرده است، بدون آنکه در ابداع و شهرت علامت نقشی داشته باشد، رایگان و بدون زحمت، علامت و منافع آن را تصاحب می‌کند و در مقابل، صاحب اصلی علامت به خطر ورشکستگی دچار می‌شود؛

با وجود آنکه نزدیک به یکصد سال از تاریخ قانونگذاری در کشور می‌گذرد، هنوز در خصوص رقابت تجاری مکارانه و نامشروع، قانون ملی مشخصی نداریم.

ثانیاً، شخصی که هیچ سابقه‌ای در خصوص استعمال علامت نداشته است، پس از ثبت و صدور سند مالکیت، می‌تواند از فعالیت شخصی که سال‌ها قبل از ثبت علامت از آن استفاده می‌کرده است، جلوگیری نماید! حتی مالک رسمی علامت می‌تواند مبتکر و صاحب اصلی علامت را به اتهام جعل علامت،

تحت تعقیب قرار دهد! بدیهی است که چنین نتایجی با اصل "منع داراشدن ناعادلانه و بلاجهت" و اصل "انصاف" سازگار نیست.

در نتیجه، به نظر می‌رسد که علیرغم سکوت قانون جدید، دعوای استفاده‌کننده‌ی مقدم از یک علامت (مالک اصلی) علیه ثبت‌کننده علامت (مالک رسمی) به استناد اصول حقوقی مذکور، قابل استماع است.

(۲) منع رقابت تجاری مکارانه (مقررات معاهده پاریس): رقابت، در ذات تجارت نهفته است و تردیدی نیست که میان رقابت تجاری و رونق تجاری ارتباطی مستقیم وجود دارد، لیکن رقابت تجاری همیشه رقابتی سالم و منصفانه نیست و گاه تجار، حیات خویش را در تخریب یا سوءاستفاده از شهرت رقبا می‌دانند.

یکی از شایعترین مصادیق رقابت تجاری مکارانه، تقلید و شبیه‌سازی از علائم تجاری



تجاری، ملاک برای حمایت قانونی، ثبت علامت تجاری نیست، بلکه ملاک اصلی در تمام نظامات حقوقی، آن اندیشه و ابتکار مقدماتی است که یک علامت را ایجاد و آن را استعمال کرده است. به همین دلیل، در بند «ج» ماده ۶ خامس معاهده پاریس مقرر شده است: «برای تشخیص اینکه آیا علامت، قابل حمایت است یا نه، باید کلیه اوضاع و احوال واقعی، خصوصاً مدت استعمال علامت را در نظر گرفت.»

مضافاً اینکه، ماده ۶۲ قانون جدید ثبت علائم، مقررات معاهدات بین‌المللی را مقدم بر قوانین داخلی اعلام کرده است.

در نتیجه، صرف‌نظر از اصل حقوقی حق مکتسب، به نظر می‌رسد که علیرغم سکوت قانون داخلی، دعوای استفاده‌کننده‌ی مقدم از یک علامت، علیه کسی که بدون اجازه وی علامت را به نام خود ثبت کرده است، به استناد مقررات معاهده پاریس و بر مبنای اصل منع رقابت تجاری مکارانه، قابل استماع است.

نتیجه‌گیری

الف) خلاصه بحث: قانون علائم تجاری سابق، مصوب ۱۳۱۰ به اشخاصی که علامتی را قبل از ثبت، استفاده کرده بودند، حق می‌داد تا نسبت به ثبت علامت به نام دیگری اعتراض کرده و ثبت را باطل کنند، لیکن قانون جدید مصوب ۱۳۸۶ این حق را تصریح نکرده و حق استفاده انحصاری از علامت تجاری را متعلق

مشهور یا ثبت علامتی است که صاحب اصلی آن، نسبت به ثبت علامت خویش اقدام نکرده است. متأسفانه با وجود آنکه نزدیک به یکصد سال از تاریخ قانونگذاری در کشور می‌گذرد، هنوز در خصوص رقابت تجاری مکارانه و نامشروع، قانون ملی مشخصی نداریم، لیکن خوشبختانه، معاهده بین‌المللی پاریس که ایران نیز به آن ملحق شده و در حکم قانون داخلی است، در ماده ۱۰ مکرر، رقابت مکارانه و نامشروع را تعریف و صراحتاً منع کرده است. طبق این ماده «هر رقابتی که برخلاف عرف معمول و شرافتمندانه‌ی صنعت یا تجارت انجام گیرد، رقابت نامشروع تلقی شده و ممنوع است.»

بدیهی است که مصادیق رقابت تجاری مکارانه را نمی‌توان احصا نمود، چرا که با تغییر دائمی شیوه‌های تجارت، طرق رقابت تجاری نیز تغییر می‌کند، لذا احراز مصادیق آن، به عهده قضات محاکم دادگستری است.

همچنین، مطابق ماده ۲ معاهده پاریس، اساساً موضوع حقوق مالکیت صنعتی و هدف کشورهای عضو معاهده پاریس، حمایت از ابتکارهای فکری و تلاش‌های تجاری بشریت و جلوگیری از سوءاستفاده اشخاصی است که می‌خواهند از حاصل زحمات و یا اعتبار و شهرت تجاری دیگران بدون اجازه و به‌رایگان استفاده کنند.

بدون تردید، ثبت علامتی که ابتکار و مورد استفاده شخص دیگری است، از مصادیق رقابت تجاری مکارانه است، چرا که در حقوق علائم

استعمال‌کننده یا ابداع‌کننده مقدم، حق مالکیتی مکتسب و مقدم در برابر مالک مؤخر دارد، لذا بدون تصریح قانونگذار و صرفاً به بهانه سکوت قانون، نمی‌توان حق مکتسب وی را نادیده گرفت و به بهانه تأخیر در ثبت علامت، به آسانی و به‌رایگان، علامت و شهرت تجاری‌اش را به شخص دیگری داد.



است. در نتیجه، در صورت اعتراض و اقامه دعوا، بر اساس اصول حقوقی و مقررات بین‌المللی، دادگاه‌ها را مکلف می‌داند که در صورت اثبات سابقه استعمال مستمر، حکم بر ابطال سند مورد اعتراض و الزام اداره ثبت نسبت به ثبت علامت به نام مالک واقعی، صادر کند.

رویه قضایی نباید به بهانه سکوت قانون، اصول حقوقی و مقررات بین‌المللی را نادیده بگیرد، چرا که این امر، علاوه بر تجویز رقابت تجاری مکارانه، برخلاف تعهدات بین‌المللی ایران است.

به کسی می‌داند که علامت را به نام خود ثبت کرده است.

حال، تفاوت قانون لاحق با قانون سابق، محل این بحث است که آثار حقوقی سکوت قانون جدید، برای مالک اصلی (استفاده‌کننده‌ی مقدم) و مالک رسمی (ثبت‌کننده‌ی علامت) چیست؟

گفته شد که دو نظر در این خصوص وجود دارد: نظریه اول، به استناد منطوق قانون جدید، دلیل مالکیت و ملاک حق استفاده انحصاری نسبت به یک علامت را ثبت رسمی آن می‌داند و بر اساس قاعده اقدام، حق اعتراض برای شخصی که علامتی را قبل از ثبت، استفاده کرده است، قایل نیست و در نتیجه، اقامه دعوا از جانب چنین شخصی را قابل استماع نمی‌داند. برعکس، نظریه دوم، به استناد اصل حق مکتسب، دلیل مالکیت نسبت به یک علامت را تقدم ابداع و سابقه استعمال آن می‌داند، لذا "افشای علامت" و تأخیر در ثبت آن را موجب اسقاط حق مالکیت استفاده‌کننده‌ی مقدم نمی‌داند.

مطابق این نظر، ثبت آثار (اختراع، علامت تجاری، طرح صنعتی و ...) موضوعیت ندارد، بلکه طریقت دارد. همچنین، این نظر بر این اعتقاد است که مطابق مقررات معاهده پاریس در خصوص منع رقابت تجاری مکارانه، ثبت علامتی که قبلاً مورد استعمال شخص دیگری بوده است، از مصادیق رقابت تجاری مکارانه

(ب) پیشنهادها:

(۱) رقابت تجاری شرافتمندانه، اصلی است که اساس حقوق تجارت و حقوق مالکیت‌های صنعتی بر آن استوار است. متأسفانه در حال حاضر، در خصوص رقابت تجاری مکارانه در بُعد ملی با خلأ قانونی مواجهیم. البته همانطور که گفته شد، ایران به کنوانسیون پاریس ملحق شده و مقررات آن در حکم قانون داخلی است، لیکن رقابت‌های مکارانه صرفاً به مصادیق مالکیت‌های صنعتی که در کنوانسیون پاریس آمده است، محدود نمی‌شود، ضمن آنکه صرف‌نظر از چند شعبه‌ای که در تهران به دعاوی مالکیت‌های صنعتی رسیدگی می‌کنند، سایر محاکم کشور با مفاد کنوانسیون پاریس بیگانه‌اند و شاید تاکنون هیچ محکمه‌ای در خارج از تهران به این کنوانسیون توجه و استناد نکرده باشد. لذا شایسته است که قانونی خاص در خصوص "ممنوعیت رقابت تجاری مکارانه" تصویب و اجرا گردد.

(۲) منبع اصلی حقوق، خصوصاً رویه قضایی،

قانون است، لذا هرچند که مطابق استدلالات پیش‌گفته، می‌توان حکم موضوع را علیرغم سکوت قانون با اصول حقوقی روشن کرد، لیکن به‌رحال سکوت قانون، محل مناقشه بوده و می‌تواند موجب تضييع حقوق صاحب اصلی علايم تجاری گردد، لذا بهتر است که حتی قبل از اتمام مهلت آزمایشی قانون جدید، قانونگذار با تصویب ماده واحده‌ای، حکم موضوع را از منظر قانونی روشن کند. البته امیدواریم که تا آن زمان، رویه قضایی به بهانه سکوت قانون، اصول حقوقی و مقررات بین‌المللی را نادیده نگیرد، چراکه این امر، علاوه بر تجویز رقابت تجاری مکارانه، برخلاف تعهدات بین‌المللی ایران است.

۳) در حقوق مالکیت‌های فکری، سرقت آثار فکری و ضمانت‌اجرای کیفری آن، از مباحث اصلی حمایت از حقوق مادی و معنوی صاحب‌اثر است. خوشبختانه در نظام ملی حقوق مالکیت‌های ادبی، موضوع سرقت ادبی (انتساب اثر ادبی دیگری به خود) مورد توجه قانونگذار بوده و مجازات قانونی روشنی دارد (ماده ۶ قانون

مطبوعات)، لیکن متأسفانه نه قانون سابق و نه قانون لاحق، هیچ مجازاتی را برای "سرقت علايم تجاری" (ثبت یا استعمال علامتی که قبلاً مورد استفاده شخص دیگری بوده است) مقرر نکرده‌اند.

شایان ذکر است که اگر شخصی علامت ثبت‌شده‌ی دیگری را استعمال یا مشابه‌سازی کند، عناوین مجرمانه خاصی دارد، لیکن به‌نظر نگارنده، برای حمایت از حقوق مبتکر علامت و حقوق مصرف‌کنندگان، ضروریست که درخصوص استعمال یا ثبت غیرمجاز علايم ثبت‌نشده نیز ضمانت‌اجرائی کیفری، پیش‌بینی و تصویب گردد^(۵).

۴) هرچند که مطابق قانون جدید، ثبت علامت، اجباری نیست، لیکن با توجه به مباحث پیش‌گفته، احتیاط حقوقی ایجاب می‌کند که اشخاص قبل از استفاده از هر علامتی آن را ثبت کنند، لذا به تولیدکنندگان کالاها و ارایه‌کنندگان خدمات توصیه می‌شود که ثبت علايم خود را جدی بگیرند تا دچار اضطراب‌های حقوقی نشوند.

پی‌نوشت‌ها

۱) از منظر حقوقی، اسم تجاری و علامت تجاری دو مقوله متفاوت هستند. متأسفانه در عرف تجارت و حتی گاه در نوشته‌های حقوقی، این دو مقوله با یکدیگر اشتباه شده و کلماتی را که به‌عنوان یک "علامت تجاری" انتخاب و ثبت می‌شوند، تحت عنوان "اسم یا نام تجاری" به‌کار می‌برند. بدیهی است که وجوه اشتراک و تمایز اسامی و علايم تجاری، موضوع مقاله دیگری خواهد بود که انشاءالله منتشر خواهد شد.

۲) نشان‌ها یا علايم، گاه برای تمایز کالاها (مانند علامت مهرام) و گاه برای تمایز خدمات (مانند علامت بانک پاسارگاد) به‌کار گرفته می‌شوند. از این جهت، علايم به علايم تجاری و علايم خدماتی (Marks & Trade Marks Service) تقسیم می‌شوند و هر گروه، طبقات مخصوص خود را دارند، لیکن در ادبیات حقوقی و متون قانونی، هر نوع علامتی را اصطلاحاً "علامت تجاری" می‌خوانند.

۳) معاهده پاریس قراردادی است که در سال ۱۸۸۳ بین برخی از کشورهای جهان و به‌منظور حمایت از مالکیت‌های صنعتی، از جمله علايم تجاری، منعقد شده و به‌کرات نیز مورد تجدیدنظر قرار گرفته است و اینک نزدیک به ۱۸۰ کشور به این معاهده ملحق شده‌اند. با توجه به اینکه ایران نیز در سال ۱۹۵۹ به این کنوانسیون ملحق شده است، مقررات آن در حکم قانون داخلی بوده و برای اتباع و محاکم ایران لازم‌الاجراست.

در ضمن، کنوانسیون مادرید مصوب ۱۸۹۱ درخصوص ثبت بین‌المللی علايم تجاری و همچنین کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری مصوب ۱۹۶۷ نمونه‌های بارز دیگری برای تلاش جهانی جهت حمایت از علايم تجاری می‌باشند که خوشبختانه ایران به این دو کنوانسیون نیز ملحق شده است.

۴) با توجه به جدیدالتصویب بودن قانون ثبت علايم، هنوز رویه قضایی در موضوع مورد بحث مشخص نیست. کتاب یا مقاله‌ای نیز در نقد قانون جدید، منتشر نشده و نظریات حقوقی در این خصوص بیشتر محفلی و غیرمکتوب است. به همین دلیل، ذکر منبع مکتوب نظر گروه اول، جهت ارجاع به خوانندگان، مقدور نبوده است.

۵) اصطلاحات "افشای علامت تجاری" و "سرقت علامت تجاری" با این مقاله برای اولین بار وارد ادبیات حقوقی کشور شده است و نگارنده امیدوار است که با مقاله حاضر به غنای حقوق علايم تجاری که در مقایسه با سایر رشته‌های حقوقی، متأسفانه دچار فقر علمی است، اندکی افزوده شود. لذا از خوانندگان عزیز، انتظار دارم که نظریات خود را برای مجله ارسال فرمایند.